

(/)

یکشنبه، ۹ آگوست ۲۰۲۶

صفحه نخست (/) « هر روز یک چهره، هر روز یک حاشیه؛ چه کسی وقت را می دزدد؟ س.روزبه

۳۳
رای دهید
-۲



نظر زنان

از (<https://news.gooya.com/2026/08/09/roozb.jpg>)

پرویز پرستویی و عادل فردوسی پور تا نرگس فرخی، بیژن مرتضوی، نایاک و گزارش رویترز؛ چرا هر موج تازه، بخشی از جامعه را از هدف اصلی دور می کند؟



چرا یک جمله از یک بازیگر، مجری، خواننده یا فعال سیاسی یا سلبریتی باید چند روز ذهن هزاران ایرانی را اشغال کند؟ چرا نام یک چهره بیشتر از نام جاویدنامان،

زندانیان سیاسی و برنامه دوران بازنشر می شود؟ آیا ما به هدف خود باور داریم، یا هنوز برای ادامه راه به افراد نیازمندیم؟

در هفته های اخیر، فضای فارسی زبان پی درپی درگیر چهره ها است: استوری تند پرویز پرستویی و عذرخواهی بعدی او. مسدودشدن فوتبال ۳۶۰ و واکنش ها به عادل فردوسی پور؛ گفت وگوی نرگس فرخی، همسر بیژن مرتضوی، با مجید واشقانی و پاسخ بعدی بیژن مرتضوی؛ پیام نایاک درباره کارزار شاهزاده رضا پهلوی. گزارش رویترز درباره فعالیت سیاسی او؛ و حتی جنجال بر سر حساب هایی که صفحات رسمی شاهزاده دنبال می کنند. این موضوعات یکسان و رسانه، مانند محدودکردن، شایسته بررسی اند. مشکل از اول خود می شود که بررسی موضوع جای را به جنگ فرسایشی درباره شخصیت ها می دهد.



آرگوس

تخت خواب دو نفره پارچه ای مدل
...ستر، مدل بلند شونده انتهایی، مدل

سال ها پیش با دوستی درباره هدف مشترک مطالعه و تحقیز و پس از مدتی به نتیجه ای واحد رسید، اما هنگام عملی کردن چند لحظه فکر کردم و گفتم: «انتخاب تو محترم است، اما منم ادامه می دهم». باید با عقل و تصمیم خودت این راه را انتخاب کنی

این جمله برای من یک درس ماندگار شد. کسی می تواند راه را نشان دهد و بعد از کنار برود. اما اگر با رفتن ما نیز هدف را رها کنیم، از ابتدا به راه ارتباطی نبوده ایم، بلکه به شخص وابسته بوده ایم.

روانشناسی اجتماعی این رفتار را فقط با اعتماد به نفس توضیح نمی دهد. انسان نیازمند تعلق و تایید است. وقتی خودکارآمدی پایین باشد، فرد تصور می کند قضاوت خودش کافی نیست و منتظر می ماند بازبزرگ، ورزشکار یا سیاستمدار محبوبش چه می گوید. در نتیجه ارزش یک اندیشه را نه با دلیل و پیامد آن، بلکه با شهرت گوینده می سنجد.

شبکه های اجتماعی نیز این وابستگی را تشدید می کنند. پژوهش ها نشان داده اند پیام هایی که خشم اخلاقی و دشمنی با گروه مقابل را برمی انگیزند، بیشتر بازنشر می شوند. گرفتن لایک و بازنشر برای بیان خشم نیز کاربران را به تکرار آن می کند. بررسی های دیگر میان استفاده از شبکه ایکس و افزایش کوتاه مدت خشم و قطبی شدن رابطه یافته اند. بنابراین جنجال فقط بازتاب احساسات ما نیست؛ به عادت دریافت می شود.

در فضای فارسی نیز پژوهش درباره دسته بندی افکار عمومی، حضور پررنگ تر حساب های غیرواقعی را در بحث های سیاسی تفرقه انگیز نشان داده است. با این حال، نباید بدون سند گفت حکومت طراح همه جنجال هاست. ممکن است یک هنرمند نظر شخصی خود را گفته یا رسانه ای با فشار واقعی روبه رو شود. اما حکومت از نتیجه سود می برد: زمانی که جامعه به جای سرکوب، اعدام، فساد، زندانیان سیاسی و برنامه آینده، چند روز درباره یک فرد با خودش می جنگد، مرکز پاسخگویی از حکومت به شخص حقیقی منتقل می شود.

این رفتار فقط عصبانیت نیست. زمان است. در همه پلتفرم ها تایید شده است، پس نباید «چند میلیون پیام» را قطعی قطعی معرفی کرد. اما می توان را فرضی سنجید. اگر مجموع مشاهده ها، کامنت ها و بازنشرها سه میلیون باشد و هر واکنشی فقط یک دقیقه، پنجاه هزار ساعت، بیش از دو هزار شبانه روز و معادل بیست و پنج سال از توجه به مصرف انسانی مصرف شود. با حدود سه دقیقه، رقم به صد و پنجاه هزار ساعت یا هفتاد و پنج سال کاری می رسد.

از این همه وقت چه چیزی برای آزادی ایران باقی می ماند؟ چند نام از جاویدنامان زنده می شود؟ چند زندانی سیاسی معرفی می شود؟ چند نفر برنامه دوران کشور را می خوانند؟

راه حل، سکوت کامل نیست. سخن نادرست یا حمله به رسانه ای گاهی پاسخ می دهد. اما پاسخ باید کوتاه، اسناد و مدارک باشد. سپس باید از زمین حاشیه خارج شد. می توان با پرویز پرستویی، نرگس فرخی، مجید واشقانی، نایاک یا حتی گزارش رویترز مخالفت کرد، بی آن که چند روز سرمایه روانی و رسانه ای یک جنبش را به آنها پیشنهاد کنیم.



هر چهره مشهور در نهایت یک انسان با حق انتخاب و در نظام آینده صاحب رای است. شهرت او به معنای چند میلیون رای نیست. حتی یک رهبر سیاسی نیز باید بر نقش و انتخاب مردم استوار باشد، نه وابستگی کورکورانه.

برای رسیدن به موفقیت، آگاهی، رسانه ای و آمادگی است. افراد می آیند، حمایت می کنند، مخالفت می کنند یا کنار می روند. اما هدف نباید با رفت و آمد آنها تغییر کند. بزرگ ترین موفقیت جنگ روانی آن نیست که عقیده ما را عوض کند. کافی است وقتی ما را بگیریم، ما را بشکند و مقصد را از برابر چشمانمان بردارد.

هدف را فراموش نکنیم

۳۳

رای دهید

-۲

